رهیافت‌هایی در
علوم قرآن و حدیث
سال پنجاهم، شماره ۱، شمارهٔ پیاپی ۱۰۰
بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ٦٦-٤٧

New Approaches to
Quran and Hadith Studies
Vol. 50, No. 1, Issue 100
Spring & summer 2018
DOI: 10.22067/naqhs.v50i1.37840

موسیقی عربی و قرائت قرآن*

محمد مهدی سربلند
دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد
Email: m_sarboland@yahoo.com
دکتر عباس طالب زاده شوشتری[1]
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: shoshtari@um.ac.ir
دکتر علی نوروزی
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: nouroozi@um.ac.ir
دکتر عباس عرب
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: darab@um.ac.ir

چکیده

این موضوع که جایگاه موسیقی عربی در قرائت قرآن چیست؟ و موسیقی که ما در قرائت قرآن استفاده می کنیم صرفا موسیقی عربی است و یا موسیقی دستگاهی ایران هم در آن دخالت دارد، نیاز به بحث و تأمّل دارد و در این پژوهش سعی داریم به این مقوله ها پاسخ دهیم و درصدد روشن کردن این نکته هستیم که آیا باید موسیقی را آموخت و با هنر یاد گرفته شده به قرائت قرآن پرداخت و یا این که مضامین بلند قرآنی ذاتاً دارای موسیقی و آهنگی هستند که باید با توجه به محتوای آیات، موسیقی را با آن هماهنگ ساخت؟ آنچه مسلم است این است که قرائت قرآن یک فن یا به بیانی جامع تر یک هنر است. شاید بتوان گفت نقطه اوج تلاقی هنر و مذهب است و برای آن که بشود از آن لذت برد باید کمی درباره اش بدانیم. در واقع فراگیری فنون موسیقی آوازی، پیشوازی است برای فراگیری تلاوت رنگارنگ قرآن. از یک نظر قرآن، لحنی موسیقیایی است و از نظری دیگر، الحان موسیقی در ذات آیات قرآنی و حتی واژگان آن نهفته است که خود بخود ما را وادار می کند آن را آهنگین و با وزن بخوانیم.

کلید واژه ها: موسیقی، قرائت، مضامین آیات، هنر تلاوت، لحن موسیقیایی.

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۵/۰٦؛ تاریخ تصویب نهایی:۱۳۹۳/۱۲/۱۳.
۱ . نویسنده مسئول

مقدمه

سخن را با این مطلب آغاز کنیم که قدر مسلم این است که تلاوت به شیوه امروزی در صدر اسلام و سال های پس از آن و تا دو قرن پیش وجود نداشته است بلکه این روش طی یک فرایند تکاملی، مراحل تکوین و تطور خود را پشت سر گذاشته و پس از سالیان متمادی بدین شیوه و شکل، به نسل های امروزی منتقل شده است. یعنی تلاوت قرآن در مراحل مختلف سیر تکاملی خود، از عوامل گوناگون تاثیر گرفته است. همچنین ابعاد وسیعی از علوم را به خود اختصاص داده و نوابغ بی شماری را به خود دیده است.

پس از نزول آیات قرآن کریم و تلاوت آنها توسط پیامبر اکرم(ص) برای صحابه، جنبه های اعجازآمیز دیگری نیز به غیر از فصاحت و بلاغت آیات، برای مسلمانان آشکار شد. در این میان قابلیت زیباسازی صوت در قرائت آیات، جلوه ویژه ای داشت که اصولا با رهنمودهای پیامبر و ترغیب ایشان نسبت به تحسین صوت هنگام قرائت قرآن به عنوان یک بعد از ابعاد اعجاز قرآن کریم بروز کرد.

پیامبر به برخی از حافظان کلام وحی که دارای صدای خوشی بودند فرمان داد برای جذب مردم به دین اسلام آیات قرآن را با صدای زیبا در بین مردم قرائت کنند. برخی از آنان را نیز جهت تبلیغ دین، به نقاط مختلف جزیرة العرب فرستاد. مورخان در خصوص جذابیت قرائت این اشخاص و از همه مهمتر جذابیت قرائت قرآن توسط ائمه معصومین سخن های بسیار گفته اند. در این میان از پیدایش افرادی در عصر پیامبر با عنوان قراء سخن به میان آمده است که قرائت قرآن و تدریس آن، از اشتغالات عمده زندگی ایشان بوده است.

همچنین گفته شده که پیدایش وجوه مختلف قرائت که پایه و مبنای موضوع قرائات قرآنی است در نیمه ابتدایی قرن اول هجری قمری اتفاق افتاده است. تحولاتی که ناشی از رویکرد زیبایی شناسی در قرائت قرآن کریم بوده است موجب مطرح شدن اصطلاحاتی همچون ترتیل، تحسین و یا تزئین در دوران پیامبر و صحابه شده که در طی سالیان بعد با عنوان تجوید شناخته شده است.

قدر مسلم آن است که ظاهر تلاوت قرآن از ابتدا تا زمان ورود اسلام به شهرهای کوفه و شام بیشتر منحصر در قرائت های قرآنی و تجوید آن هم محدود در ارتباط گفتاری بوده است و در زمینه لحنی ابداع های قابل توجهی در آن دیده نمی شود. در این زمینه باید به ورود اسلام به مصر و وقایع پس از آن دقت نظر بیشتری داشت؛ چرا که مصر از جهات مختلف اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد چنان که در تاریخ آن را «ارض الحضاره» یعنی سرزمین تمدن نامیده اند. همچنین این کشور در طول تاریخ عرصه ی تاخت و تاز فرهنگ های مختلف بوده است و همین امر موجب تغییرات متنوع فرهنگی و به دنبال آن غنای فرهنگ بومی و اجتماعی این سرزمین شده است.

گویند نخستین کسی که قرآن کریم را در اولین مسجد جامع مصر تلاوت کرد، عبید بن مخمر المعاقری بود که از صحابه پیامبر به شمار می رفت و شاهد فتح مصر بوده است. همچنین نخستین کسی که قرآن را به قرائت نافع مدنی در مصر تلاوت کرد ابومیسره عبدالرحمن بن میسره بوده است. از زمان ورود مصحف عثمانی به مصر تا اواخر قرن دوم هجری قمری این سرزمین تبدیل به مرکزی برای قاریان و قرائت قرآن شد.

بزرگترین قاریان عصر در آن ظاهر شدند و نسل ایشان به طور متوالی تا قرن ۱۴ هجری ادامه پیدا کرد. تلاوت قرآن اصول و احکام خود را که از زمان پیامبر شکل گرفته و پس از آن نیز توسط علمای این رشته گرد آمده بود حفظ کرد. زیرا این اصول به صورت سینه به سینه نقل می شد. بدین ترتیب تجوید تبدیل به علمی معتبر شد و تغنّی قرآن بر اساس مقامات موسیقی نیز به آن پیوست و به پیروی آن اصوات قاریان، زیبا شد و استماع قرآن توسط مسلمانان همراه با آثار وجدانی عمیق شد.

طبیعتاً پس از تدوین کتاب هایی در زمینه تجوید و علم قرائات و وقف و ابتدا و همچنین تحولات موسیقی عربی، تلاوت قرآن نیز وارد مرحله جدیدی شد. پس از آن با پیدایش ستارگانی همچون شیخ احمد ندا در قرن ۱۹ میلادی دوره نوینی از دوره های تلاوت قرآن که در حقیقت مبدا پیدایش کنونی تلاوت مصر به شمار می رود بوجود آمد. پس از آن با شروع عصر رادیو و پیدایش وسایل ضبط، قرائت آخرین قاریان باقی مانده از قرن ۱۹ میلادی جاودانه شد، بنابراین میراث عظیم تلاوت قاریان قرآن مربوط به دوره های پس از ورود رادیو به جامعه مصر قلمداد می شود. دوره ای که موجب شد تا شکل واقعی و ملموس قرائت قراء عصر طلایی تلاوت برای آیندگان به یادگار گذاشته شود.

تعریف موسیقی

موسیقی یا «موسقی»، (به ضم میم) در لغت ماخوذ از (mousike) یونانی، یا (musica) لاتینی، (musigue) فرانسه، (music) انگلیسی، (music) آلمانی است و ریشه آن (musa) به معنی مُوز(muse) فرانسه است، که نام هر یک از ۹ رَبّ النوع اساطیری یونانی و حامی هنر های زیبا بوده است. اصل استعمال آن مَوسیقی (به قاف مفتوح و الف مقصوره) است (چنان که در عربی نیز چنین استعمال می شود)، ولی امروزه به صورت موسیقی (با قاف مکسور و یاء ساکن) تلفظ می گردد.

موسیقار[1] نیز خواننده آواز و موسیقات به معنای آلات سرود است. بعضی نیز در علت نامگذاری آن

۱. موسیقار نام مرغی است که افسانه ای است و در منقارش سوراخهای بسیار است و از آن سوراخها آوازهای گوناگون بیرون می آید و به اعتقاد برخی از اهل لغت، موسیقی را حکیمان از آن صداها استخراج کرده اند (فرهنگ معین، ماده موسیقی).

گفته اند: «موسی» در لغت یونانی به معنای نغمه و سرود است و «قی» به معنای لذتبخش و دلپسند. بنابراین موسیقی یعنی سرود لذت بخش.

از آنچه گذشت روشن می شود که موسیقی به عنوان نوای روح بخش، ابتدا صرفا جنبه فنی هنری داشته است ولی بعدها توسط فیثاغورث (قرن ۶ق. م) با ریاضی آمیخته شد و بسیاری از فرمولهای موسیقی به وجود آمد و با گذشت زمان، صوت کم کم به صورت حروف الفبا تقسیم شد.

برخی از صاحب نظران به هنگام تعریف موسیقی، فقط جنبه هنری وفنی آن را در نظر گرفته اند. چنان که المنجد می نویسد: «الموسیقی: فَنُّ الغِناءِ وَ التَّطریب» موسیقی همان فن غنا و ایجاد صداهای طرب آور است. و ابونصر فارابی (معلم ثانی) در این زمینه می گوید: « موسیقی لفظاً به معنی الحان است و لحن عبارتست از مجموع نغمات مختلفه ای که مرتب باشند.»

اما عده ای به هر دو جنبه علمی و هنری موسیقی توجه کرده و در تعریف آن چنین گفته اند: «موسیقی فن ترکیب اصوات است به نحوی که به گوش خوشایند باشند» و سپس از جنبه علمی آن گفته اند «موسیقی معرفت الحان و آنچه التیام الحان بدان بود و بدان کامل گردد». بنابر تعاریف فوق، بهترین تعریفی که امروزه از موسیقی می توان کرد، در نظر داشتن هر دو جنبه علمی و هنری آن است. پس موسیقی عبارت است از نغمه های دلنشین گوناگونی که بر اساس ذوق هنری شخص تنظیم گشته و باعث نشاط و سرور و یا حزن و اندوه در شنونده می گردد (احمدی، ۷۱-۶۹).

پیدایش موسیقی

شناخت زمینه های پیدایش و گسترش هر علم و هنری، از خواسته های بشر امروز بوده و در موارد زیادی در شناخت سیمای واقعی آن علم یا هنر، اهمیت به سزایی دارد. پدیده موسیقی به عنوان یکی از شاخه های هنر همواره مورد توجه و مطالعه تاریخی بوده است. هرچند در زمینه تاریخ پیدایش آن از نظر زمان و مکان و اشخاص اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از مورخان همچون امیل ویلر موز با استناد به این که ثبت اکتشافات و اختراعات در ماقبل تاریخ متداول نبوده است، ادعا کرده اند که از اسم و رسم مخترع موسیقی اطلاع دقیقی در دست نیست (اسماعیل پور، ۴۲)، ولی پژوهشگران در آثار باستانی به جا مانده از ملل و اقوال گذشته به آثاری دست یافته اند که با توجه به آنها می توان مبدا پیدایش موسیقی را حدس زد و قدیمی ترین سازهای موسیقی در خرابه های «اور» واقع در عراق کشف شده است. این سازها از آثار قوم سوری می باشد که حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح در این ناحیه حکومت داشته اند (سعدی حسنی، ۹).

در حوالی اهرام مصر نیز آثاری مربوط به موسیقی کشف شده است که مربوط به پنج هزار سال قبل از میلاد است و حاکی از آن است که آواز خوانی و نواخت ساز در آن زمان در مصر معمول بوده است (پاک نژاد، ۱۵/ ۱۳۲)، اما جفری بریس در کتابش می نویسد: نخستین نمونه آفرینش موسیقی توسط انسان، نقشی است که در یک غار ماقبل تاریخ در آری یژ فرانسه به جای مانده است. روح الله خالقی نویسنده کتاب نظری به موسیقی نیز معتقد است که اختراع این فن کار یک نفر نبوده و پیدایش موسیقی مقارن با پیدایش انسان و قدرت آوازخوانی او بوده است. به هر حال یونانی ها نخستین ملتی بودند که در قرن هشتم قبل از میلاد موسیقی را از نظر علمی مطالعه کرده و تئوری موسیقی را نوشتند، آهنگ ها را با حروف یادداشت کردند و چون فرشتگان هنری زیبا را موز (muse) می گفتند، کلمه «موزیک» از آن مشتق شد. قواعد موسیقی ابتدا در فلسفه بیان می شد و فیثاغورث، آریستوکسنوس و بطلمیوس محاسبات و فواصلی بر آن مترتب داشتند، تا این که تسارلینو در قرن شانزدهم میلادی گام هایی با فواصل امروزی بوجود آورد (رمزی، ۲۲).

مشروعیت موسیقی

این سخن علاء الدوله سمنانی که گفته است: «بیهوده سخن بدین درازی نبود» حکایت حال موسیقی است. بی شک موسیقی اگر جزو اصول انسانی می بود، بیش از آنچه امروز از حنجره آلات مختلف جدید و قدیم بیرون می آید، طنین و تکرر می داشت و اگر از زواید تاریخ حیات می بود، پیش از این، در کوچه ای از کوچه های روزگاران پیش در دل تاریخ دفن می شد. تامل بزرگ مردانی چون ارسطو، سقراط، افلاطون، هگل و وایتهد از غربیان و ابن سینا، فارابی و صفی الدین ارموی از شرقیان در پیچ و خم های موسیقی، به احتمال زیاد، سری جز آهنگ و ارگی حیات ندارد و این که: زندگی موسیقی در موسیقی است پس گوشی می باید، گوشی برای شنیدن و گوشی برای شنواندن (جعفری، ۷). به همین دلیل برخی از حکماء و عرفای گذشته معتقد بوده اند که نظم و فن دقیق موسیقی و لذت حاصله از آن و علاقه ی مردم به شنیدن آن، ناشی از نظم و فن حاکم بر کیهان و از نغمه های موسیقی عالم بالاست. عبارات مولفان رسایل اخوان الصفا چنین است:

حرکات افلاک و ستارگان، نغمه ها و نواهایی دارند که برای اهل خود پاکیزه و فرح انگیزند و آن نغمه ها و نواها برای نفوس بسیط، سرور عالم ارواح را که فوق فلکند متذکر می شوند (آن فلک که جواهر آن شریف تر از جواهر عالم افلاک است). آن مقام عالم ارواح، عالم نفوس و سرای حیات (حقیقی) است که همه نعمت های آن روح و ریحان در درجات فردوس است، چنانکه خداوند در قرآن فرموده است: فَامّا اِن

کانَ مِن المقرّبین فَرَوحٌ وَ رَیحانٌ وَ جَنَّةُ نَعِیم (واقعه/۸۸-۸۹): (اما اگر از مقربان باشد، راحت و خوشی و ریحان، بهشت نعمت ها نصیب او خواهد شد). دلیل بر درستی آن چه که گفتیم و برهان برای حقیقت آن چه که توصیف نمودیم، این است که نغمه های حرکات وسایل موسیقی، سرور عالم قدس را به نفوس جزئی که در عالم کون و فساد به سر می برند، متذکر می شود، چنان که نغمه های حرکات افلاک و کواکب سرور عالم ارواح را به آن نفوسی که در افلاک هستند، متذکر می گردد. و اکثر عقلاء می دانند که اشخاص فلکی و حرکات منظم آن ها در وجود بر جانداران تحت قمر مقدمند و حرکات آنها علت حرکات اینهاست و عالم نفوس در وجود مقدم بر عالم اجسام است. چنان که در رساله الهیولی و رساله المبادی العقلیه بیان نموده ایم و بدان جهت که در عالم هستی حرکات منظمی بوجود آمده است که نغمه های مناسبی دارد، این خود دلیل آن است که در عالم افلاک، نغمه هایی متناسب که نفوس آنان را نشاط بخشد برای آن حرکات منظم و متصل وجود دارد. گفته می شود: فیثاغورت حکیم، با صفای جوهر نفسش و نورانیت قلبش، نغمه های حرکات افلاک و کواکب را شنیده و با نیکی فطرتش اصول موسیقی و نغمه های نواها را استخراج نموده است (همو، ۶۹).

این منشاء برون ذاتی را جلال الدین محمد مولوی نیز متذکر شده است:

ناله سُرنا و تهدید دهل چیزکی ماند بدان ناقور کل

پس حکیمان گفته اند این لحن ها از دوار چرخ بگرفتیم ما

بانگ گردش های چرخ است این که خلق می سرایندیش به طنبور و به حلق

مومنان گویند که آثار بهشت نغز گردانید هر آواز زشت

ما همه اجزای آدم بوده ایم در بهشت آن لحن ها بشنوده ایم (همو، ۷۱)

تا اینجا متوجه این مطلب شدیم که نباید عجولانه و بدون تحقیق و بررسی در مورد موسیقی نظر منفی داشته باشیم بلکه مطلب ثابت شد که موسیقی با حقیقی سرو کار دارد که تمامی موجودیت آدمی، سعادت و شقاوت دنیوی گذرا و اخروی جاودان خود را از آن او می داند و آن «نفس» یا «روح» یا «شخصیت جاودانی» اوست.

اگر ما در بعضی بررسی ها می بینیم که برای شنیدن صوت انسانی حکم تحریم داده اند منظور غنای صوت انسانی است و حالتی است که صوت انسان به حالت غناء درآید و دلایل حرمت آن به قدری فراوان است که جایی برای تردید در حرمت آن باقی نمی گذارد. از جمله امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می نویسد: غناء فعلش و شنیدنش و کاسبی کردن با آن حرام است و آن تنها زیبا کردن صدا نیست بلکه آن عبارت است از کشیدن صدا و برگرداندن آن با کیفّیت خاص که طرب آور و مناسب مجالس لهو و محافل

طرب و آلات و وسایل لهو باشد و بین استعمال آن در کلام از قبیل قرائت قرآن و دعاء و مرثیه و بین غیر آن از شعر و نثر فرقی نیست بلکه اگر آن را در چیزی که خداوند متعال به آن اطاعت مـی شـود بـه کـار ببرنـد عقابش مضاعف می گردد (نقدی یزدی ، ۶۶).

حال اگر همین صوت انسانی غنا نباشد و صدا باعث شود که انسان به یاد بهشـت بیفتـد و فضـایلی را کسب کند چنانچه خواننده زن هم باشد از نظر شرع مقدس اشکالی بر آن وارد نیست به این دو مورد توجـه کنید:

در حدیثی آمده است (شیخ حر عاملی، حدیث شماره ۲۲۱۴۸) «و سأل رجل علی بن الحسین علیـه السلام عن شراء جاریة لها صوت فقال : ما علیک لو اشتریتها فذکّرتک الجنة» مردی از علی بـن الحسـین (ع) درباره خریدن کنیزی پرسید که صدای خوبی دارد؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: چه اشکالی بـرای تـو دارد اگر او را بخری و با صدای زیبایش بهشت را به یاد تو بیندازد؟ یعنی با خواندن قرآن، و مطالب مربـوط به پارسایی و فضایل که غنا نیست، اما غناء ممنوع است (جعفری، ۱۵۱).

در کتاب احکام موسیقی که به صورت پرسش و پاسخ ارائه شده است پرسش ۷۰ ایـن کتـاب بـه ایـن صورت پرسیده شده است: از آنجایی که این جانب در رشته علوم و فنون کتابـت و قرائـت قـرآن مجیـد در دانشگاه تحصیل می کنم و قرائت صوت جزء درس های اصلی می باشد، خواندن قرآن با صدای زیبا بـرای یادگیری در مقابل استاد مرد چگونه است؟ پاسخ: همه مراجع (به جز مکارم) اگر به صـورت غنـا نباشـد و باعث تهییج شهوت شنونده نگردد و مفسده دیگری نیز نداشته باشد، اشکال ندارد (حسینی، ۷۱).

مواردی هم داریم که رفتار پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم نشان می دهـد کـه بـه طـور مطلـق بـا موسیقی مخالفت ننموده اند بلکه در مواردی توصیه هم نموده اند و چون در این نوشتار قصد داریـم جـواز قرائت قرآن به صورت آهنگین را مطرح نماییم باید با بیان این مطالب مشروعیت اصـل موسـیقی بـرای مـا مسلم گردد:

۱- در روایتی عبدالله بن الحسن از جدش علی بن جعفر، روایت می کند که او از برادرش موسـی بـن جعفر (ع) از غناء چنین سوال می کند: قال سالتُه عن الغناء هل یُصلِحُ فی الفطر و الاضحی و الفـرح؟ قـال «لا بأسَ به مالم یعص به» یعنی علی بن جعفر گفت: از او (موسی بن جعفر) در مورد غناء سوال کردم کـه آیا شایسته و سزاوار است در عید فطر و قربان و شادی؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد مادامی که به وسـیله آن معصیت نشود (نقدی یزدی، ۸۰).

۲- روزی پیامبر (ص) از خانه علی بن هبّار رد می شد که صـدای دایـره و تنبـک شـنید. فرمـود: ایـن چیست؟ گفتند علی بن هبّار برای ورود همسرش، مجلس عروسی گرفتـه اسـت. سـپس حضـرت فرمـود:

«حسنٌ هذا النکاحُ لا السفاحُ» یعنی: خوب است، این زن گرفتن است، زنا کاری که نیست. سپس فرمود: «اسندوا النکاح و اعلنوه بینکم، واضربوا علیه بالدفّ فَجرت السّنةُ فی النکاح بذلک» یعنی: ازدواج را با سند و پشتوانه سازید و آن را بین خودتان آشکار نمایید و با زدن دف آن را تثبیت کنید، آن وقت دیگر سنت در ازدواج (اعلان نکاح) به وسیله آن اجرا شده است (همو، ۸۳).

از روایت علی بن جعفر و روایاتی نظیر این روایت جواز موسیقی غیری فی الجمله ثابت می شود و این گونه موسیقی عبارت است از موسیقی برای اعلان عروسی ها و نغمه حُدی برای راندن شترها و موسیقی در مارش های نظامی و لالایی ها برای کودکان و در زنگ های تلفن و در همراهی کردن برنامه های سالم رادیو و تلویزیون و تمام مواردی که خود موسیقی بالذات مقصود نباشد بلکه برای کار مشروع دیگری از آن استفاده شود ولی مشروط به این که همراه با معصیت نباشد. « به هر حال هنر موسیقی موهبت الهی است و هیچ گاه این با او سر ناسازگاری و ستیز نداشته و هرجا که موسیقی در خدمت دین و هدف های والای انسانی قرار گرفته، مورد حمایت و پذیرش دین و پیشوایان آن قرار گرفته است» (کافی، ۱۰۸).

آیا قرائت آهنگین آیات قرآن مجاز است یا خیر؟ با توجه به دلایلی که ارائه شد مشروعیت موسیقی به اثبات رسید و حال باید بررسی کنیم که وضعیت قرائت قرآن و استفاده از موسیقی در تلاوت چه جایگاهی دارد و اصولا به چه دلایلی ما مجاز به استفاده از آهنگ در قرائت قرآن کریم هستیم و آیا رفتار پیامبر و امامان معصوم ما نشانگر چنین جوازی برای ما هستند یا خیر؟

بدیهی است موسس هنر قرائت و صوت زیبا شخص رسول الله است. زیرا ایشان به زیبا خواندن قرآن و استفاده از صوت و لحن زیبا در قرائت قرآن امر فرموده اند (همو، ۸۸). در بسیاری از منابع آمده است که حضرت رسول (ص) به هنگام شنیدن تلاوت قرآن ابوموسی فرمودند به راستی صدای تو همچون مزمار و شبیه یکی از مزامیری است که به حضرت داوود (ع) عنایت شده بود. ابوموسی به دلیل صدای زیبایش مشهور بود (نلسون، ۱۲۰).

در سوره جمعه و موارد دیگر از آیات قرآن جمله «یتلو علیهم»، وجود دارد که بعد از بررسی مشخص شد که خود رسول گرامی اسلام هم در تلاوت از صوت زیبا استفاده کرده اند و مستنداتی هست که به موسیقی عربی هم تسلط داشته اند. به عنوان نمونه: در کتاب زینة القرآن در توضیح مقام چهارگاه که یکی از اقسام موسیقی و مقامات عربی می باشد چنین آمده است: «این مقام در عین سادگی، بسیار جذاب است و مشهور است که قرائت پیامبر گرامی اسلام (ص) بسیار نزدیک به این مقام بوده است» (غریب نواز، ۹۳).

نخستین روایتی که در موضوع روش و شیوه تلاوت قرآن کریم وجود دارد روایت معروفی است از پیامبر گرامی اسلام که فرموده اند: « اقرؤا القرآن بالحان العرب و اصواتِها و ایّاکم و لحونِ اهل الفسق و

اهل الکبائر» (قرآن را با لحن و صوت عرب ها بخوانید و از لحن های اهل گناه و لهو و لعب دوری بجویید). بررسی حدیث ما را به این مطلب می رساند که رویکرد ایشان در دعوت به قرائت به صوت و لحن عرب ها کاملا جنبه موسیقیایی داشته است و ایشان با سوق دادن مسلمانان به این شیوه آنان را به برگزیدن موسیقی شایسته ای برای خواندن این کتاب مقدس رهنمون ساخته اند و پیامبر گرامی اسلام در آن زمان به خوبی از پیشرفت و نفوذ سریع اسلام و آیات قرآن در میان ملل دیگر آگاه بوده و بیم آن داشتند که مسلمانان بلاد غیرعربی، بدون توجه به شیوه صحیح تلاوت، مسیر دیگری را در استقبال از قرآن کریم بپیمایند (شاه میوه، ۱۳۹۰، ۸۳).

همچنین امیرمومنان علی(ع) و صحابه بزرگی همچون عبدالله بن مسعود، ائمه هدی بخصوص امام زین العابدین (ع) در این هنر نورانی پیشقدم بوده اند. پس تاریخ هنر قرائت به صدر اسلام باز می گردد. به نقل بعضی کتب رجالی، اولین کسی که قرآن را با الحان موجود در زمان حاضر قرائت کرده، شخصی به نام عبیدالله ابن ابی بکره الثقفی معروف به «ابوحاتم» بوده است. او در قرن اول هجری می زیست و حدود سال ۸۰ق فوت کرده است و جزو طبقه سوم از تابعان بوده است (کافی، ۸۸).

علماء و سایر صاحب نظران نه تنها قرائت آهنگین قرآن را مجاز می دانند، بلکه اذعان می کنند که جنبه موسیقیایی باید در قرائت باشد تا شرط تاثیر کامل شنونده از قرائت برآورده شود. این به معنای تایید قدرت اصلی و لازم تلحین برای درگیر کردن عواطف و افزودن سهم مستمع در قرائت است. سبک مجوّد، یا همان سبک آهنگین در اجرای عام، این آرمان را، از نظر هدف بیان شده و واکنش برانگیخته شده، به بهترین شکل تحقق می بخشد. اهمیت این سبک و گسترش آن در سراسر دنیای اسلام باعث شده تا آرمان قرائت قرآن، آن طور که دین و بیشتر علماء انتظار دارند، محبوبیت یابد و منتشر شود (نلسون، ۳۴۳).

تلاوت قرآن با صدای خوش همواره مورد سفارش و ستایش پیشوایان دینی قرار گرفته است و از صوت نیکوی پیامبر (ص) و ائمه اطهار در تلاوت قرآن قصه ها نقل شده است از این رو، بسیاری از فقیهان تغنّی به قرآن را جایز می دانند. روحانیت معظم شیعه و مراجع تقلید ما هیچ گونه موسیقی متعالی را نهی نکرده اند و حتی در استفائات، تجویز استعمال موسیقی از سوی پزشکان را بلا اشکال دانسته اند.

ریشه قرائت آهنگین قرآن

از لحاظ تاریخی، موسیقی عرب را در دو دوره می توان بررسی نمود: دوره قبل از اسلام یا دوران جاهلیت و دوره پس از اسلام. از دوران قبل از اسلام یا عهد جاهلیت عرب، اطلاع چندان دقیق و متقنی از لحن و موسیقی عرب در دست نیست. آنان در هنگام پرستش بتان، یا در هنگام طواف خانه کعبه

سرودهایی می خواندند. در مجالس جشن آوازهایی اجرا می کردند که آن را «هزج» می نامیدند. آوازهایی بنام «حُدی» و «رکبان» نیز در میان اعراب در قبل از اسلام شهرت یافته بود. هنگام پرستش بت های اطراف کعبه که در تاریخ تعداد آنان را تا ۳۶۰ عدد ذکر کرده اند و هنگام ذبح قربانی در پای بتان، آوازهایی می خواندند. بنابراین آهنگ های مشهور اعراب قبل از اسلام نصب، رکبان و حُدی بوده و بیشتر هنرشان در ادبیات و شعر نمود داشته است. عقیده اکثر مورخان بر این است که منشا موسیقی عرب، آهنگ ها و ترانه های ایرانی بوده است. اکثر خوانندگان و نوازندگان مشهور عرب در قرون نخستین اسلامی، توسط خنیاگران و نوازندگان پارسی تبار تعلیم یافته یا اینکه خود اصالتاً ایرانی بوده اند. آنان از الحان و آهنگ هایی که قابلیت تطبیق و تلفیق، با اشعار عربی را دارا بوده، در سرود ها و آوازهای خود استفاده کردند و پس از مدتی با ظهور خوانندگانی چون نشیط، معبد، سائب و طویس به تدریج موسیقی عربی با پایه علمی در حجاز پایه گذاری شد (مسگری، ۹).

موسیقی ایران سابقه ای طولانی دارد اما به دلیل فقدان فرهنگ مکتوب و ذهنیت حفظ و نگهداری آثار فرهنگی و تاریخی، سابقه مدون و منظم از آن در دست نیست (کافی، ۲۴). از موسیقی دوران قبل از مادها اطلاع دقیقی در دست نیست، همین قدر می دانیم که وجوه کاربردی موسیقی، همانگونه که در سایر ملل و اقوام باستان وجود داشته در آنها هم موجود بوده است. در دوره هخامنشی سه نوع موسیقی (مذهبی، رزمی و بزمی) رواج داشت و مورخان یونانی چون «هردوت» و «گزنوفون» بارها به این موسیقی های ایرانی اشاره کرده اند. بخش عمده موسیقی و سرودهای مذهبی وابسته به متون زردشتی از قبیل «گاتاما» بوده که موبدان می خوانده اند (همو، ۲۶).

ایرانیان قدیم که در هنر موسیقی پیشرفت هایی نصیبشان شده بود پس از ظهور اسلام به موسیقی عرب جلوه ای خاص بخشیدند و این هنر ایرانی به وسیله اعراب از شبه جزیره عربستان هم پا بیرون نهاد و در مصر و شمال آفریقا حتی در اندلس نیز اثراتی گذارد؛ به گونه ای که هم اکنون موسیقی عرب شامل الحان و نغمانی است که نام های ایرانی دارد. وجود کلماتی مانند: زیر، بم، سه گاه، راست، زیرافکند، نوا در موسیقی عرب، صادق و موید این گفتار می باشد (همو، ۲۴).

از دلایل دیگری که می توان ادعا کرد که پایه گذاری موسیقی عربی متاثر از موسیقی ایرانی بوده است مطلب زیر است: تاثیر موسیقی دوره ساسانی، قرن ها به صورت مستقیم بر موسیقی کشورهای هم جوار از ارمنستان تا عربستان واضح و مشهور بوده است. بعد از ظهور اسلام و سلطه اعراب بر ایران موسیقی ایرانی در قالب جدید متناسب با شرایط تاریخی خود، رشد مجدد پیدا کرد. اعراب جاهلی که از موسیقی بهره ای بسیار اندک داشتند ذوق بدوی سرشار خود را با تاثیرپذیری از فرهنگ عظیم موسیقی ایران رشد و اعتلا

بخشیدند. نام «یونس کاتب» به عنوان نویسنده اولین کتاب موسیقی «الغنم»؟ از آن دوران به یادگـار مانـده است (همو، ۲۷).

جهت این که مطلب گفته شده به حد یقین برسد خالی از لطف نخواهد بود که شرح حال مختصری به عنوان نمونه از موسیقی دانان ایران قدیم بیان کنیم که چه تاثیراتی بر موسیقی عربی گذاشته اند و اطلاعـات بیشتر در این مورد را ارجاع می دهیم به کتبی که به این مهم پرداخته اند:

۱. عیسی بن عبدالله الذهب طوسی (۱۰-۸۸ق) اهل مدینه بود و از کودکی شیفته موسیقی ایرانیـانی بود که به عنوان اسیر جنگی در مدینه کار می کردند. او به نام «طـویس» مشـهور بـود و در عهـد خلافـت عثمان به نام بزرگترین موسیقی دان عرب شناخته شد و از پایه گذاران موسیقی عرب گردیـد. او «طنبـور» و «دف» را خوب می نواخت و اساس موسیقی عرب را پایه گذاری کرد.

۲. ابراهیم موصلی (۱۲۵-۱۸۸ق) اصالتا ایرانی و از تبار ماهان و بهین (کشاورزان مقیم فارس) بـود. تولد او در کوفه و معاصر با مهدی، خلیفه عباسی، بوده است. استاد آواز و نوازنـده بـی همتـای عـود بـود. ابراهیم موصلی، شاگرد «جوانویه» زرتشتی از اهالی ری بود (همانجا).

در کنار قبول این مسئله که پایه گذاری موسیقی عربی توسـط موسـیقی ایرانـی صـورت پذیرفتـه اسـت نظرات دیگری هم دیده می شود: به نظر می رسد موسیقی پیش از پیدایی و تکوین هر زبـانی، بـا تصـویت حلوق انسانی و یا تصویت آلات اولیه موسیقیایی، برای بیان حالات درونی و احساسات و عواطف انسـان اختراع شده است. هنری فارمر، موسیقی پروژه انگلیسی ادعا می کنـد کـه مبنـای موسـیقی نظـری ترکـی و فارسی و عربی، بنیان سامی دارد که آن نیز بر موسیقی یونانی مبتنی است. برخی از محققـان ایرانـی از ایـن ادعا آشفته شده، تلاش کرده اند نشانه ای از موسیقی نظری در دوران پیش از اسـلام را در ایـران بیابنـد کـه اکثرا حاکی از احساسات ملی گرایانه است. ولی این فرض را هم نمی توان از یـاد بـرد کـه پـیش از مـیلاد، الفبای غیرتصویری گؤی تورک و بعد از آن حروف ترکی سیاق و سپس حروف ابجدی در ایران بـرای نشـان دادن نغمات به کار می رفته است. پیش از همه اینها نیز باید به سنگ نبشته های ترکی باستان ایرانی در میان الواح سومری و آذیه یا آذریه در غرب دریای خزر و متون یافت شده در خراسان بـزرگ و چـرم نبشـته هـای ترکی تورفان اشاره کرد. موسیقی نظری در ایران، ریشه در دو هزار سال پیش از مـیلاد دارد و انتسـاب آن بـه یونان و یا دربار ساسانی، نادرست است (محمد زاده صدیق، ۱۵).

چون موضوع این مقاله، تحقیق موسیقی عربی به کار رفته در قرائـت قـرآن اسـت بایـد ایـن مطلـب را متذکر شویم که موسیقی قرآن، کاملا جدای از موسیقی آوازی عربی است و احتمال این که کسـی صـد در صد از تکنیک های آوازی در قرآن استفاده کند بسیار بعید است. بـه عبـارت دیگـر موسـیقی خـاص قـرآن

باعث شده است که تعداد محدودی از نغمه های عربی در قرائت آن قابل استفاده باشد و بـه دنبـال تکامـل موسیقی عرب، هفت نغمه در مورد تلاوت قرآن کریم اعتبار خود را بدست آورد که به هفت مقـام معـروف است و چنانکه قبلا هم اشاره شد پیامبر گرامی اسلام هم از عنصر موسیقی در جهت ابـلاغ هرچـه مـوثرتر آیات قرآن بهره جست. مسلمانان هم رفته رفته غنای دوران جاهلی را به فراموشی سپرده و بـا فـرامین پیـامبر اسلام (ص) موسیقی رسمی دین اسلام یعنی اذان و تلاوت قرآن با صدای نیکو و لحن زیبا را جـایگزین آن نمودند. لذا پس از انتشار اسلام در شبه جزیره و دیگر بلاد عربی و ایجاد وحدت و یگانگی در دیـن و آیـین به مرور تلاوت قرآن و اذان به دیگر سرزمین های عربی نیز راه یافت و جای خـود را بـه عنـوان یـک پدیـده فرهنگی جدید در میان ملل عرب باز نمود به گونه ای که پس از گذشت چند دهه، نغمه های اذان و تلاوت قرآن نوعی وحدت الحان و نغمات را در همه سرزمین های عربی پدید آورد. بنابراین موسیقی تلاوت و اذان که ره آورد اسلام بود خود به عاملی برای انتشار الحان و نغمه های عربـی تبـدیل و از ایـن بابـت عنصـری تاثیرگذار بر کل جریان موسیقی عرب گردید.

بنابراین درست است که خاستگاه اصلی موسیقی تلاوت (آن چه که در عصر حاضر بـه سـمع مـا مـی رسد) همان موسیقی مقامی عرب است، اما این سخن بدان معنا نیست که مقامات و نغمات موسیقی عرب عیناً و بدون هیچگونه دخل و تصرفی در ارایه الحان و نغمه های تلاوت مورد اسـتفاده قـرار گرفتـه اسـت و اساسا به دلیل تبعیت آهنگ و نغمه از ساختار لفظی آیات در فن تلاوت چنین امری ممکن نیست؛ زیـرا در فن تلاوت؛ ارایه زیبا و صحیح آیات قرآن مد نظر است نه صـرفا اجـرای نغمـه هـا و مقامـات. لـذا همـین محدودیت در متن و کلمات، نوع خاصی از موسیقی را در فنّ تلاوت ایجاد نموده کـه مشـابه آن اساسـاً در انواع دیگر موسیقی دیده نمی شود.

حال باید به بررسی این مطلب بپردازیم که آیا فقط الفاظ قرآن آهنگین هستند و با صدای زیبـا تـلاوت کردن آن کافی است یا این که صدای زیبا را به سمت موسیقی تلاوت یعنی نغمات هفتگانه هـدایت کنـیم؟ هر دو مطلب درست است یعنی ضمن این که آیات قرآن لفظ موسیقیایی دارند برای این کـه حـق قـرآن ادا شود و معانی هم به شنونده منتقل شود یادگیری موسیقی تلاوت الزامی است. در مورد این که آیات قـرآن از نظر ساختاری آهنگین است نظرات متقنی داریم:

تبلیغ و نشر قرآن اساساً شفاهی است. توازن و هماوایی اش (assanance) به تنهایی گواهی اسـت بـر این مدعا که قرآن نازل شده تا شنیده شود. اما ماهیت شفاهی قرآن فراتر از هماوایی است: اهمیت وحی بـه همان اندازه که از طریق صدا منتقل می شود به کمک معنایش نیز انتقال می یابـد بـه بیـان دیگـر، قـرآن تـا زمانی که شنیده نشود قرآن نیست (نلسون، ۲۷).

موسیقایی بودن متن مذهبی را نمی توان انکار کرد و تا زمانی که تجوید به کار رود و موسیقی، آنرا نیاشوبد و باعث کج روی در متن نشود استفاده از موسیقی در قرائت پذیرفته است (همو، ۳۲۵).

قرآن از لحاظ زبان موسیقیایی و نظم آهنگ آیات و ارتباط و تناسب معنی آیات با یکدیگر سرمایه ای بی نظیر و استثنایی است و یکی از وجوه اعجاز و جاودانه بودن آن همین قالب هنری آن است. (کافی، ۸۱). هرگاه که آیتی از آن به صورت فاخر تلاوت شود، از نیوشای آن چنان لذتی به اهل دل چشانده شود که طعم خوش آن تا مدتها زبان گشای دل خواهد شد و این از اعجاز کلام حق است که حتی کفار لجوج قریش را مجذوب خود می ساخت. آهنگ الفاظ و معانی در آن هماهنگ، معانی عالیه آن اندیشه و فکرت نواز، و ضرب و آهنگ الفاظ و کلمات آن دل انگیز و روح افزاست. هنر قاری این است که آن آهنگ هماهنگ را کشف کند، هماهنگ با معنا و سپس با فطرت بشری، آیات رحمانی را با چشم دل بنگرد و به قرائتی برخاسته از دل مشغول شود (مسگری، ۸).

نه تنها الفاظ قرآن آهنگین است بلکه قاری قرآن برای این که این الفاظ آهنگین را متناسب با معنایی که در آنها نهفته است به شنونده منتقل کند باید نغمات و الحان موزون موسیقی تلاوت را هم یاد بگیرد. قاری قرآن باید زنگار و آفات را از دل زدوده و در مرحله بعدی به فراگیری علوم و فنون مورد قرائت بپردازد. بی گمان از مهمترین علوم مورد نیاز، آشنایی با نغمات و الحان موزون است که هر آینه بازتاب سخن دل آدمیان است که بی واسطه مراد دل خواننده را به شنونده منتقل می کند. شناخت و احاطه بر این نغمات و دانستن مفاهیم آنها و انطباق آنها با آیات قرآن با چنان دقت و ظرافتی که به شئونات معنوی آیات شریفه لطمه ای وارد نشود، از حساسترین مراحل و بالاترین مدارج در سیر تربیت قاری قرآن است (همانجا).

بررسی قرائت مطلوب قرآن، با تکیه بر سنت کهن علوم دینی ثابت می کند که قرائت نه تنها با پذیرش اجزاء آهنگین کامل می شود، بلکه به آن بستگی دارد. آهنگ (تلاوت) موجب جذب بیشتر شنونده می شود و به این ترتیب، هیچ جدایی بین زیباشناسی و دین وجود ندارد (نلسون، ۱۳۷).

اساس کار قرائت قرآن را نغمه ها و الحان تشکیل می دهند، به طوری که اگر نغمه را در یک آیه یا عبارت حذف کنیم، موسیقی آن، ارزش خود را از دست می دهد و بحث کردن درباره آن بی فایده خواهد بود. اگر قاری قرآن نداند که چه نغمه ای می خواند و با چه پرده ای شروع می کند و با چه ترکیب می کند و به کجا ختم می کند، باید اذعان نمود که فریب ظواهر قضیه را خورده و تنها به صدا تکیه کرده است. داشتن صوت زیبا و حسن برای قاری به تنهایی نتیجه بخش نیست، زیرا اصل مساله تسلط قاری بر اصول هفت گانه معروف نغمه و الحان عرب است. اگر قاری نغمه ها را شناخت، می داند که شنوندگان و مستمعان چه چیزی می طلبند و می داند که از کجا و چگونه شروع و به کجا ختم کند (کافی، ۹۴).

یادگرفتن نغمات قرآنی نه تنها لازم است، بلکه چنان در روح و جان آدمی تاثیر می گذارد که دانشمندی مانند عبدالقادر مراغه ای (د۸۳۸ق) که معلوم است در موسیقی سرآمد است و تالیفات زیادی هم دارد، پیشرفت خودش را در علم موسیقی به نغمات قرآنی مربوط می سازد. عبدالقادر این علم را پیش پدر و پس از حفظ قرآن یاد گرفت و خود علت آموزش موسیقی را مهارت یافتن در تلاوت قرآن با نغمات طیبه از سر وقوف ذکر می کند (محمدزاده صدیق، ۷۵).

دستگاه های موسیقی ایران و مقام های موسیقی عرب

هفت دستگاه و پنج آواز حاصل فواصل و گام های متفاوت در موسیقی ایرانی است. بسیاری از گوشه ها نیز در این آوازها و دستگاه ها قرار می گیرند. ماهور، شور، سه گاه، چهارگاه، راست و پنجگاه، همایون و نوا، هفت دستگاه و بیات اصفهان، افشاری، ابوعطا، دشتی و بیات ترک آوازهای موسیقی ایرانی را شکل می دهند. همان طور که معلوم است ربع پرده در موسیقی ما نقشی مهم ایفا می کند و موجبات فراهم آمدن گوشه ها و دستگاه هایی با رنگ و فضای متنوع را فراهم می آورد.

مقام راست، بیات، صبا، سه گاه، عجم، نهاوند، کرد و حجاز مقام های عربی را تشکیل می دهند که هریک از این مقام ها در دل خود دارای مقام های فرعی نیز هستند؛ مطابق با آنچه در موسیقی ایرانی نسبت به دستگاه ها و گوشه ها اتفاق می افتد.

وجه تشابه موسیقی عربی و ایرانی

عقیده اکثر مورخان بر این است که منشا موسیقی عرب، آهنگ ها و ترانه های ایرانی بوده. اکثر خوانندگان و نوازندگان مشهور عرب در قرون اول هجری، توسط خنیاگران و نوازندگان پارسی تبار تعلیم یافته یا اینکه خود اصالتا ایرانی بوده اند. آنان از الحان و آهنگ هایی که قابلیت تطبیق و تلفیق با اشعار عربی را داشت، در سرود ها و آوازهای خود استفاده کردند و پس از مدتی موسیقی عرب با تکیه بر همین دانسته ها، که رفته رفته رو به تکامل می رفت، شکل گرفت. به عنوان مثال در موسیقی ایرانی (و شرق) فاصله هشتم یا «هنگام» ۲ را به هشت گاه تقسیم می کردند. بعد از حمله اعراب به ایران در صدر اسلام و همچنین در دوران سلطنت عثمانی، این فواصل و پرده ها به طور کامل به کشورهای عربی و اسلامی منتقل گردید و تاکنون نیز همان فواصل و پرده ها با نام های ایرانی (اکثراً) در فرهنگ موسیقی این کشورها به چشم می خورد.

پرداختن به این موضوع که عرب ها تداخلات و تصرفاتی در این مقام داشته اند بحث های تاریخی و

فرهنگی است که در این فرصت نمی گنجد و فقط به ذکر همین نکته مهم بسنده می کنیم که مطمئناً دخل و تصرفاتی در موسیقی ایرانی توسط عرب ها صورت پذیرفته است. با توجه به وجود شواهد و دلایل بسیار زیاد به جرأت می توان ادعا کرد که این اسلوب و روش موسیقی ایران بوده که به کشورهای عربی منتقل شده و اگر موسیقی بدوی و یا قومی در این کشورها نیز بوده یا در این فواصل وجود داشته و یا این که از بین رفته است. بنابراین در حال حاضر موسیقی عربی که موجودیت مستقل از موسیقی ایرانی و غرب داشته باشد وجود ندارد.

در تحقیقاتی که پژوهشگران و موسیقی دانان انجام داده اند بارها به این تشابهات اشاره شده و از آنجا که به جز در فواصل معدودی که بین موسیقی مقامی عربی و ایرانی اختلاف وجود دارد، تشابهات بین این دو موسیقی طبیعتاً بسیار زیاد است، در این مجال به عنوان نمونه به یکی دو وجه تشابه اشاره می شود.

مقام راست و سه گاه که یکی از قدیمی ترین و مهم ترین مقام های موسیقی ملل شرق است (بدون تغییر نام) هم در مقام های موسیقی عرب و هم در دستگاه های موسیقی ایرانی به چشم می خورد. مقام عجم تقریباً منطبق بر دستگاه ماهور است و مقام حجاز شباهت بسیار زیادی به همایون دارد هم از حیث شباهت در فواصل و هم در نغمات و ملودی ها.

مقام های موسیقی عربی مورد استفاده در قرائت

علمای فن قرائت به مرور زمان، متوجه شدند که آیات قرآن با توجه به دوری و نزدیکی معنایشان، دارای وزن و آهنگ خاصی هستند. حتی در موسیقی ایرانی هم آهنگسازان مسلط و آشنا با توجه به شعر، ملودی را در دستگاه خاص می سازند. در واقع به این ترتیب کوشش می کنند هم خوانی و هماهنگی کاملی میان لحن شعر و ملودی ایجاد شود. بنابراین آنچه تا حدودی به برتری تلاوت قاریان عرب زبان نسبت به ایرانی ها منجر شده، استفاده قاریان عرب زبان و آشنا به موسیقی از مقام هایی است که با معانی آیات هم خوانی و ارتباط داشته باشد. در قرائت قرآن هر دسته از الحان به خواندن آیات خاصی اختصاص دارد.

به عنوان نمونه مقام «بیات» که وسیع ترین مقام در قرائت قرآن است و گوشه های بسیاری دارد قبل و بعد و حتی بین مقام های دیگر، قابل اجراست. معمولا قرائت با این مقام آغاز می شود و زمینه اجرای مقامات دیگر است. وقار، عظمت، بزرگی، تسلط و سنگینی را القا می کند و آرامش همراه با غم می آورد. این مقام برای اجرای دعاهای قرآنی، حکایات و اندرزها به کار می رود.

نمونه: بروج/ استاد غلوش

آل عمران، ۱۷۱ به بعد/ استاد مصطفی اسماعیل

یا مقام راست؛ اثر آن، برانگیختن حس مردانگی، جسارت و حرکت به سمت کشف حقیقت است و در آیاتی که دارای تاکید و تحکم و امر است استفاده می شود. هرچند قابلیت تعمیم به انواع حالات مفهومی را دارد.

نمونه: روم/ استاد منشاوی

آیات ابتدای سوره شمس/ استاد عبدالباسط

مقام عجم و چهارگاه: اثر این مقام ها، ایجاد شور و شوق جوانی است و در آیاتی با مضامین خدا، بهشت، توبه، معجزات پیامبران، دعا و درخواست و حرکت و مبارزه به کار می رود.

نمونه: ضحی، ۱۱- انشراح، ۱/ استاد عبدالباسط

مقام نهاوند: ماهیتی لطیف و منعطف از نظر لحنی دارد. نه خیلی خشن است و نه خیلی خفیف و بیشتر در بیان داستان های قرآنی به کار می رود.

نمونه: بقره، ۲۵۰/ استاد مصطفی اسماعیل

مقام سه گاه: برانگیزاننده حس محبت و عشق و سوز دل است و در آیاتی با مفاهیم عشق، وعده الهی، بشارت، مغفرت، صفات مومنان، پیروزی و اجابت دعا به کار می رود.

نمونه: فاطر، ۱۴ و ۱۵/ استاد مصطفی اسماعیل

مقام صبا: مجموعه ای از نغمات حزین است که گذشته از دست داده را به تصویر می کشد و ما را به خویشتن خویش دعوت می کند. در آیاتی با موضوع عبرت از حوادث گذشتگان، مقایسه عاقبت نیک مومنان و سرانجام بد گناهکاران، دعا و توبه و پشیمانی و ذکر نعمت ها و آیات الهی به کار می رود.

نمونه: قیامت، ۱۴ و ۱۵/ استاد عبدالباسط

مقام حجاز: اثر آن، شور و شعف همراه با احساسات عالی و حزین و دعوت به یکپارچگی و اتحاد و آرزو برای سعادت بشر است. از این مقام، در آیاتی که مربوط به بشارت و انذار، نعمت های خداوند، تذکر و یادآوری، امر و توصیه، خلقت جهان هستی و موجودات هستند، استفاده می شود.

نمونه: حشر۲۱/ استاد عبدالباسط

دشواری در تشخیص صحیح حضور دستگاه های ایرانی در قرائت

همان طور که در این تحقیق به تشابهات موسیقی ایرانی و عرب اشاره شد و همچنین با مثال هایی در خصوص استفاده از مقام های عربی در قرائت، جای این سوال هست که در این بین چه اتفاقی افتاده است که برخی به انکار از استفاده از دستگاه های موسیقی ایرانی می پردازند؟ آنچه موجبات دشواری دستگاه ها

و گوشه های ایرانی را در قرائت فراهم کـرده اسـت، لحـن متفـاوت عربـی قاریـان عـرب زبـان و همچنـین تداخلات و تصرفاتی است که موسیقی دانان عرب در موسیقی خود نسبت به موسیقی ایرانـی ایجـاد کـرده اند. در واقع به دلیل تفاوت در لحن قاریان مصری تشخیص این موضوع کمی دشوار شـده اسـت. در واقـع همان طور که در طول بحث بارها به آن اشاره شد موسیقی عربی در واقع گرتـه بـرداری از موسـیقی ایرانـی است.

بحثی که امروز پیش آمده این است که چرا به جای استفاده از موسیقی سنتی ایران در قرائـت قـرآن بـه تقلید از روش ها و الحان مصری و عربی اکتفا می کنیم. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده هستند کـه در موسیقی ایرانی غیر از شور عربی و سه گاه، نغمه هایی که به موسیقی عربی نزدیک باشند، بسیار کم است و یا با به کار بردن موسیقی سنتی ایرانی در تلاوت آیات قرآنی، برای تطبیق نغمه با معنی مشکل پیدا خـواهیم کرد. مثلا برای برخی از آیات واجد معانی حزن انگیز نمی توان غیر از مقام های حجاز یا نهاونـد از دیگـر مقام ها استفاده کرد. در این تحقیق خلاف این موضوع به اثبات رسید. در جمع بندی کلی از این بحث می توان عدم شناخت قاریان قرآن کشورمان نسبت به موسیقی و گوشه ها و نغمات اصیل ایرانی و ترس از تغییر لحن را علت اصلی این موضوع دانست. در حالی که بسیاری از نغمـات قرائـت قـرآن، برگرفتـه از نغمـات اصیل ایرانی است پرداختن به آموزش صحیح و آشنا کردن قاریان کشورمان به موسیقی احساس می شود و لازم است کارشناسان به این مقوله توجه بیشتری داشته باشند.

تاریخچه قرائت آهنگین

هرچند موسیقی مقامی عرب در رشد و بالندگی خود مرهون موسیقی ملت های دیگر همچون ایرانیـان بوده، اما امروزه در میان موسیقی های جهان دارای هویتی کـاملا مسـتقل بـوده و در حـال حاضـر حتـی از تحرک و پویایی بیشتری نسبت به موسیقی مقامی ایران برخوردار است، لذا امروزه مشـاهده مـی کنـیم کـه موسیقی عرب به مرور جای خود را در بین موسیقی های جهانی باز کـرده اسـت و صـبغه ای بـین المللـی یافته است. وقتی ما اسلوب ها و شیوه های تلاوت قرآن و موسیقی مقامی عرب را به طور کلی مقایسـه مـی کنیم می توانیم اذعان کنیم که امروزه موسیقی تلاوت دارای مکتبی مستقل از حیث اسلوب و شیوه (و نـه از لحاظ منشا) است که نوع خاصی از الحان را با هدف ابلاغ و بیان زیبای قرآن کریم ارائه مـی نمایـد و ایـن مکتب که اینک ما وارثان آن هستیم حاصل سالیان متمادی تلاش و اجتهاد و نبوغ قاریان بزرگ بوده است.

طبق رای اکثریت علماء فن، موسیقی تلاوت از هفت مقام اصلی به نامهای بیـات، صـبا، حجـاز، سـه گاه، چهارگاه، نهاوند و راست تشکیل می شود و نغمات قرآنی مستقلند، یعنی هر مقامی جایگاهی مختص

به خود دارد و نمی توان بعضی نغمات را در بعضی از جاهای قرآن به کار گرفت (به کـارگیری آنهـا باعـث ناهمگونی و ناهماهنگی از نظر معنوی می شود)، مثلا آهنگ صبای حزین را اگر به جای چهارگاه بخـوانیم خالی از لطف خواهد بود. یعنی شنونده احساس ناهمگونی می کند و اصطلاحا برای گوش تـوازن نـدارد؛ زیرا دستگاه صبا معمولا در جاهایی استفاده می شود که سخن از حزن و انـدوه و ناامیـدی و یـاس باشـد و اصولا با چهارگاه که آهنگی تقریبا مهیج دارد و جنبه حماسی و قهرمانی دارد متناسب نیست. بـه کـارگیری نغمات نیز هوشیاری و ذکاوتی مختص به خود را نیاز دارد. مـثلا مقـامی را کـه یکسـره از نعمـات الهـی و بهشت و حور العین، توصیف مؤمنان و ... سخن می گوید چگونه باید تلاوت کرد کـه بـا حـزن و انـدوه و توصیف دوزخیان و عذاب های الهی مخلوط و ممزوج نشـود. یعنـی همـان مطلبـی کـه قـبلا هـم گفتـیم موسیقی تلاوت را بر اساس معانی آیات منطبق کرده و تلاوت نماید تا معنا در ذهن شـنونده مجسـم شـود. این موضوع که ما بطور دقیق مشخص کنیم تلاوت آهنگین از چه زمانی ثبت و ضبط شده اسـت مشـخص نیست به دلیل این که سند مکتوبی در این زمینه نداریم.

مطمئناً آنچه امروز به عنوان هنر تلاوت قرآن کریم در جهـان اسـلام مطـرح اسـت، ثمـره تـلاش هـا و مساعی صدها نفر از نخبگان عالم قرائت از قرن ها پیش تاکنون بوده است. در طول تاریخ، هـیچ ملتـی بـه اندازه مصریان در زیباخوانی قرآن مجید نقش نداشته اند. بـر طبـق قـدیمی تـرین مـدارک تـاریخی پیشـینه مصریان در این باب حداقل به ۷۰۰ سال قبل باز می گردد. اما با کمال تاسف این سابقه عظـیم و طـولانی تنها از ۸۰ سال گذشته به این طرف و آن هم به کمک پیشرفت بشر در فن آوری ضبط و ثبت گردیده است. لذا بر کسی معلوم نیست که قاریان پیش از آن با چه شیوه و اسلوبی و با چه نغمانی قرآن را تلاوت می کرده اند. اما قطعا یک نکته روشن است که تلاوت قرآن تنغیمی و آهنگین به طور ناگهانی و «خلق الساعه» پدید نیامده است. قدر مسلم از همان آغاز روزهای نزول قرآن کریم، در اثر سفارش هـای رسـول گرامـی اسـلام (ص) در مورد زیباخوانی یا تغّنی در قرآن این هنر اصیل تولد یافته و در هر برهه ای از زمان چیزی بر کمال و جمال آن افزوده گردیده تا این که در این عصر و زمان در قالب شیوه های تحقیق و ترتیل و در سبک هـای بسیار متنوع و زیبا متجلی و به دست ما رسیده است (اصفهانی، ۱۳۰).

هنر تلاوت قرآن با سبک و سیاق امروزی آن، در اصل هنری مصری است که در قرن گذشته توانست به سرعت جای خود را در میان دیگر ملل مسلمان جهان بازنماید. هنری مصـری اسـت؛ زیـرا در بسـیاری از کشورهای عربی دیگر همچون عراق، عربستان، تونس و مراکش شیوه تلاوت سنتی قرآن بـا شـیوه مصـریان کاملا متفاوت و هر کشور شیوه ای مخصوص به خود را دارد. هرچند در دهـه هـای اخیـر، عـده زیـادی از قاریان جوان کشورهای یاد شده هم از شیوه سنتی خود دست برداشته و به تقلید از قاریان مصری روی آورده اند (اصفهانی، ۵۳).

نویسنده کتاب هنر قرائت قرآن می نویسد: «من قادر به بازگویی تاریخ شیوه قرائت آهنگینی، به خصوص در مصر نبوده ام، اما همکاران علمی ام با این واقعیت موافق اند که اولین قرائت آهنگین تقریبا به ۴۰۰ سال پیش باز می گردد و مصر دسته کم برای ۳۰۰ سال در این امر پیشگام بوده است» (نلسون، ۲۹۹).

در ایران به طور تقریبی از اواخر دهه چهل شمسی شیوه تلاوت مصری متولد شد و در سالهای ابتدایی دهه پنجاه اندک اندک گرایش به این شیوه در برخی از شهرهای بزرگ همچون تهران، مشهد، اصفهان بیشتر گردید و به دنبال استقرار نظام جمهوری اسلامی شتاب غیرقابل باوری گرفت (شاه میوه، ۱۳۹۰، ۱۱). بنابراین سابقه قرائت به سبک و سیاق مصری در کشور ما کمتر از ۵۰ سال است (همو، ۱۳۹۰، ۵۵).

نتیجه گیری

علمای فن قرائت به مرور زمان متوجه شدند که آیات قرآن با توجه به دوری و نزدیکی معنایشان، دارای وزن و آهنگ خاصی هستند و از طرفی طبق فرمایش پیامبرگرامی اسلام که فرمودند: قرآن را به لحن عرب بخوانید، در دنیای موسیقی، موسیقی خاصی به نام موسیقی تلاوت وجود دارد که باید حتی آنرا یاد گرفت تا بتوان در تلاوت آهنگین هم لفظ قرآن و هم محتوای معنای آن را به شکل مطلوب به مستمعین منتقل کرد و چنانچه این مهم انجام نشود حق قرآن از نظر تلاوت ادا نخواهد شد. این نغمات از موسیقی عربی منشعب شده اند. عقیده اکثر مورخان بر این است که منشا موسیقی عرب، آهنگ های ترانه های ایرانی بوده است. اکثر خوانندگان و نوازندگان مشهور عرب در قرون اول هجری، توسط خنیاگران و نوازندگان پارسی تبار تعلیم یافته یا اینکه خود اصالتاً ایرانی بوده اند آنان از الحان و آهنگ هایی که قابلیت تطبیق و تلفیق با اشعار عربی را داشت، در سرود ها و آوازهای خود استفاده کردند و پس از مدتی موسیقی عرب با تکیه بر همین دانسته ها که رفته رفته رو به تکامل می رفت، شکل گرفت. پرداختن به این موضوع که عرب ها تداخلات و تصرفات در این مقام ها داشته اند بحث های تاریخی و فرهنگی است که در این فرصت نمی گنجد و فقط به ذکر همین نکته مهم بسنده می کنیم که مطمئناً دخل و تصرفاتی در موسیقی ایرانی توسط عرب ها صورت پذیرفته است و با ظهور اسلام و پیشرفت آن در کشورهای دیگر، موسیقی عربی هم قوت گرفت و حتی از موسیقی های موجود پیشی گرفت و موسیقی خاصی منشعب شده از آن (موسیقی تلاوت) سرآمد تمام موسیقی ها گردید و به شکلی که امروزه ایرانی ها به دنبال یادگیری موسیقی تلاوت هستند تا بتوانند آن را در قرائت قرآن استفاده نموده و با قاریان عرب خصوصاً کشور مصر به رقابت بپردازند و اگرچه توفیقاتی حاصل شده است اما هنوز باید تلاش های بیشتری صورت پذیرد. الفاظ آیات قرآن به گونه ای است که به غیر از موسیقی تلاوت امکان استفاده هیچ موسیقی دیگری در آیات قرآن نیست چه موسیقی عربی باشد یا

ترکی یا فارسی بلکه چنانچه این محدوده موسیقی تلاوت رعایت نگردد در حق قرآن جفا شده و مشمول احادیثی می شویم که عذاب الهی در انتظار آنهاست، به عبارت دیگر الفاظ و معانی پر محتوای آنها جهت انتخاب نوع موسیقی تلاوت را مشخص می کنند به شکلی که نمی توان هر نغمه ای را با هر آیه ای تلاوت نمود.

تغنی در قرآن نه تنها نکوهیده نیست بلکه رفتار پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در برخورد با صدای زیبا و موسیقی تلاوت نشانگر این است که این مهم انجام شود؛ زیرا رساندن الفاظ پرمعنا و مفهوم قرآن به سامعه مستمعین به غیر از انجام این مهم ممکن نیست و دین مبین اسلام با موسیقی که مشروع بوده و باعث شنیدن مضامین بلند قرآنی و موارد مشابه باشد مخالفتی ندارد. چرا که وجود شریف پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «لَیسَ مِنّا مَن لَم یَتَغنَّ بِالقُرآنِ» (از ما نیست کسی که قرائت قرآن را شیرین نشمارد و از آن لذت نبرد (کلینی، ج۲، باب فضیلت قرآن).

منابع

احمدی علی، طنین اعجاز، آیین تربیت، مشهد، ۱۳۸۰.

اسماعیل پور، علی، موسیقی در تاریخ و قرآن، انتشارات ناس، ۱۳۶۸.

پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، اسلامیه، تهران بی تا.

جعفری محمد تقی، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران ۱۳۹۲.

حسینی سید مجتبی، احکام موسیقی، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۹۲.

رمزی سعید، راز موسیقی، یوسف فاطمه، بی جا، ۱۳۸۹.

سعدی حسنی، تاریخ موسیقی، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۳۶.

شاه میوه اصفهانی، غلامرضا، معماری تلاوت، انتشارات تلاوت وابسته به سازمان دارالقرآن کریم، تهران، ۱۳۹۱.

------ ، هنر تلاوت، انتشارات تلاوت وابسته به سازمان دار القرآن کریم، تهران، ۱۳۹۰.

غریب نواز، عبدالحمید، زینة القرآن، همسایه، قم، ۱۳۷۷.

کافی، مصطفی، الحان قرآنی، انتشارات پازینه، تهران، ۱۳۸۴.

مسگری، جواد، نغمه وحی، انتشارات جامعه قاریان مشهد، مشهد، ۱۳۸۴.

محمد زاده صدیق، حسین، سیری در رساله های موسیقیایی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۹.

نقدی یزدی محمد علی، اسلام و موسیقی، میراث ماندگار، قم ۱۳۹۰.

نلسون، کریستینا، هنر قرائت قرآن، ترجمه محمد رضا ستوده نیا، زهراجان نثاری لارانی، زمان نو، تهران، ۱۳۹۰.